



پدیده «یهودیان مخفی» (انوسی‌ها) و نقش ایشان در پیدایش و گسترش بابی‌گری و بهایی‌گری عامل مهمی در تحولات معاصر ایران است و باید به دور از هرگونه افراط و تفریط، مورد شناسایی مستند و علمی قرار گیرد. طبق بررسی نگارنده، گسترش سریع بابی‌گری و بهایی‌گری و به ویژه نفوذ منسجم و عمیق ایشان در ساختار حکومتی قاجار، از دوران مظفرالدین شاه، بدون شناخت این پیوند غیرقابل توضیح است.

در بررسی تاریخ پیدایش و گسترش بابی‌گری در ایران، نمونه‌های فراوانی از گروش یهودیان جدیدالاسلام به این فرقه مشاهده می‌شود که به رواج دهندگان اولیه بابی‌گری و عناصر مؤثر در رشد و گسترش آن بدل شدند. می‌دانیم که بابی‌گری را یک یهودی جدیدالاسلام ساکن رشت، به نام «میرزا ابراهیم جدید»، به سیاهکل وارد کرد. 1. و نیز می‌دانیم اولین کسانی که در خراسان بابی شدند یهودیان جدیدالاسلام مشهد بودند. 2. معروف‌ترین ایشان ملا عبدالخالق یزدی است که ابتدا در یزد اقامت داشت. او از علمای دین یهود بود و پس از مسلمان شدن در زمره اصحاب مقرب شیخ احمد احسایی جای گرفت و احسایی هفت سال در خانه وی سکونت داشت. ملا عبدالخالق یزدی سپس به مشهد مهاجرت کرد، در صحن حضرت رضا (ع) نماز جماعت و بساط منبر و وعظ برقرار نمود و به نوشته مهدی بامداد به یکی از «علمای طراز اول مشهد» بدل شد. 3. گوبینو می‌نویسد:

«ملا عبدالخالق یزدی از شاگردان شیخ احمد احسایی بود... و از حیث مقام علمی و فضایل شهرت زیادی داشت و در انتظار عامه احترام و اعتباری پیدا کرده بود.» 4.

یهودیان مشهدی که تعداد ایشان در سال 1831 حدود دوهزار نفر گزارش شده، در سال 1839 م. اندکی پس از استقرار کمپانی ساسون در بوشهر و بمبئی، پنج سال پیش از آغاز دعوت علی محمد باب، به طور دسته جمعی مسلمان شدند بی‌آنکه هیچ فشاری بر ایشان باشد و کدخدای ایشان، به نام ملامشایخ، به ملامهدی و خاتم ایشان، به نام ملا بنیامین یزدی، به ملا امین تغییر نام داد. گروهی از جدیدالاسلام‌های مشهد در سلك اهل تصوف بودند و به ترویج افکار میرزا ابوالقاسم سکوت شیرازی به عنوان مرشد خود می‌پرداختند. 5. گروهی از آنان به بابی‌گری پیوستند و بعدها نقش فعالانه‌ای در گسترش بهایی‌گری بر عهده گرفتند. 6.

گروش این یهودیان به اسلام واقعی نبود و ایشان به‌طور پنهان یهودی بودند. «دایرةالمعارف یهود» پدیده جدیدالاسلام‌های مشهد را در ذیل مدخل «یهودیان مخفی» مطرح کرده نه در مدخل «مرتدین» 7 و در جای دیگر تصریح می‌کند که آنان به عنوان «یهودیانی در لباس اسلام» به حیات خود ادامه دادند. 8. والتر فیشر، محقق یهودی، می‌نویسد که این جدیدالاسلام‌ها همچنان مخفیانه به دین یهود پایبند بوده و هستند. 9. فیشر این مطلب را در سال 1328 عنوان می‌کند. به عبارت دیگر، در طی دوران طولانی 110 ساله‌ای (1839-1949) که از مسلمان شدن این یهودیان می‌گذشت، اینان همچنان در خفا یهودی بودند.

از جمله این یهودیان مشهدی فردی به نام ملا ابراهیم ناتان را می‌شناسیم که رهبری یک شبکه فعال اطلاعاتی انگلیس را در منطقه بر عهده داشت و در سال 1844 (سال آغازین دعوی باب) به بمبئی مهاجرت کرد، توماس تیمبرگ می‌نویسد: ملا ابراهیم ناتان، به سان یهودیان بغدادی (ساسون‌ها و بستگان و کارگزاران ایشان) «دارای پیوندهای قوی» با جامعه یهودی خراسان بود و نیز دارای پیوندهای قوی با حکومت بریتانیا. 10. «دایرةالمعارف یهود» تصریح می‌کند که ملا ابراهیم ناتان رهبری یهودیان بخارایی، افغانی و ایرانی مقیم بمبئی را بر عهده داشت و «نقش مهمی در جنگ اول انگلیس و افغان ایفا نمود». 11. این مأخذ، در جای دیگر، از ملا ابراهیم ناتان به صراحت به عنوان «مأمور اطلاعاتی بریتانیا» یاد کرده است. 12.

صرف نظر از انوسی‌ها (یهودیان مخفی)، نقش یهودیان علنی در ترویج و گسترش کمی و کیفی بابی‌گری و بهائی‌گری نیز چشم‌گیر است. اسماعیل رانین در واپسین کتابش، که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شد، می‌نویسد: «بیشتر بهائیان ایران یهودیان و زردشتیان 13 هستند و مسلمانانی که به این فرقه گرویده‌اند در اقلیت می‌باشند. اکنون سال‌هاست که کمتر شده مسلمانانی به آنها پیوسته باشد...» 14. سال‌ها پیش از رانین، در اوایل حکومت رضا شاه، آیتی نظر مشابهی ابراز داشت و به سلطه یهودیان بر جامعه بهائی ایران اشاره کرد: «این بشارتی است برای مسلمین که بساط بهائیت به طوری خالی از اهل علم و قلم شده که زمام خامه را به دست مثل حکیم رحیم و اسحاق یهودی و امثال او داده‌اند.» 15. رانین می‌نویسد:

بهائیان از بدو پیدایش تا به امروزه همواره از جهودان ممالک استفاده کرده آنها را بهائی کرده‌اند. می‌دانیم که ذات یهودی با پول و ازدیاد سرمایه عجین شده است، یهودیان ممالک مسلمان، که عده کثیری از آنها دشمن مسلمانان هستند و همه جا در پی آزار رسانیدن و دشمنی با مسلمین می‌باشند، خیلی زودتر از مسلمان به بهائیت گرویده‌اند و امتیازهای مالی بهره فراوان برده و می‌برند و مقداری نیز به مرکز بهائیت (عکا) می‌فرستند. 16. حسن نیکو، مبلغ پیشین بهائی، نظری مشابه دارد و می‌نویسد:

طبقه دیگر [بهائیان] یهودی هستند که با چه بغض عناد به اسلام معروف‌اند... در چنین صورتی اگر کسی علمی بلند کند که با عت تفریق و تشّت جمعیت اسلام شود و سبب تفریق مسلمین گردد، البته دشمن... دلشاد گردیده وی را استقبال می‌کند... [یهودیان] در دخول در مجامع و محافل بهائیان سه فایده مسلم برای خود تصور داشته: اول آنکه لافل سیاهی لشکر دشمنی می‌شود که بر ضد اسلام قیام کرده و رایت تشّت و تفریق را بلند نموده است؛ دوم آنکه از مسئله اجتناب و دوری که در مسلمین شیخ نسبت به یهود بود مستخلص می‌شوند و با آنها معاشرت می‌کنند، بلکه وصلت می‌نمایند؛ سوم آنکه اگر غلبه و قدرت با بهائیان گردد عجالاً خودی در

فضل الله مهتدي معروف به صبحي، مبلغ پيشين بهائي، که سالها منشي مخصوص عباس افندي بود، مي‌نويسد:

«به نظر اين بنده بيشتر از آنان براي فرار از يهوديت بهائي شده‌اند تا گذشته از اينکه اسم جهود از روي آنها برداشته شود، در فسق و فجور نيز في‌الجمله آزادي داشته باشند. و من از اين قبيل يهوديان نه در همدان بلکه در طهران نيز سراغ دارم و بر اعمال آنان واقفم» 18.

صبحي مهتدي اشاراتي به عملکرد يهوديان بهائي شده دارد. از جمله مي‌نويسد:

از چند سال پيش من آگهي پيدا کردم که شوقي همه خويشاوندان و پدر و مادر و برادرها و خواهرها و دائي زاده‌ها و فرزندانشان را رانده و ميان آنها تيرگي پديد شده و اکنون همه کارها در دست بيگانگان است و بزرگ و سر بهائيان آنجا هم يك بيگانه است و هيچ ايراني دست‌انديک نيست جز لطف‌الله حکيم که از جهودان بهائي است و کارش آوردن و گرداندن بهائيان است بر سر گور سروان اين کشيش که در ايران به اين کار «زيارتنامه خواني» مي‌گويند...:

خاندان حکيم از بيخ و بن يهودي هستند و آئين و روش اين کيش را نگه مي‌دارند؛ ولي هر دسته‌اي از آنها در کيشي فرورفته‌اند؛ دکتر ايوب مسلمان شد و در مسلماني استواري نشان داد. به مسجد مي‌رفت و فرزندان را مسلمان نمود، چنان که اکنون هم هستند. ميرزا شکرالله و يك دسته از بستگان يهودي بود و هستند. ميرزا جالينوس و ميرزا يعقوب و فرزندان ميرزا نورالله مسيحي و پروتستانت شدند و ميرزا جالينوس پاگاه کشيشي گرفت و در کليسا روزهاي يکشنبه پند بده بود و از روي انجيل سخنراني مي‌کرد. دکتر ارسطو پدر دکتر منوچهر و غلامحسين و برادرش لطف الله، که نامش را برديم، بهائي شدند. و همه اينها در هر کيشي که خودنمايي مي‌کردند شور و جوش نشان مي‌دادند؛ ولي در خانه همه با هم همدست و يگانه بودند تا آنجا که ارسطو دختر زيباي خود را به هيچ يك از خواستگاران بهائي نداد و به ميرزا جالينوس [مسيحي شده] داد. 19.

خاندان حکيم از خاندانهاي متنوع دوران قاجار و پهلوي و از نسل يك يهودي مهاجر به نام حکيم سليمان‌اند که در زمان فتحعلي شاه قاجار به ايران کوچيده بود. اعقاب او به نام حکيم حق نظر و حکيم موشه (مشه) پزشک خصوصي ناصرالدين شاه قاجار شدند و شبکه گسترده خود را در ايران تنيدند. 20.

نمونه ديگر، گروه يهوديان به بابي‌گري و بهائي‌گري در کاشان است. از جمله يهوديان سرشناس کاشان که بهائي شدند و خاندانهاي ثروتمند و پرشماري بنياد نهادند، بايد به افراد زير اشاره کرد: آقا يهودا نياي خاندان ميثاقيه، ملاربيع که نام خاندان وي ذکر نشده، حکيم يعقوب نياي خاندان برجيس، ميرزا عاشور (آشور) و برادران و خواهرش که خانواده‌هاي پرجمعيت ساجد و ماهر و وحدت و غيره از نسل ايشان است. حکيم فرج‌الله نياي خاندان توفيق، ميرزا ريحان (رويين) نياي دو خاندان ريحاني (از نسل پسري) و روحاني (از نسل دختری) ملا سليمان و ميرزا موسي و ميرزا اسحاق خان نياکان خاندانهاي متحده و اخلاقي، ميرزا يوسف خان نياي خاندان يوسفیان 21 (به سبب سکونت اعضاي اين خاندانها در همدان و کاشان، برخي از ايشان همداني نيز به شمار مي‌روند.)

در همدان نيز وضعي مشابه با کاشان ديده مي‌شود. حسن نيكو مي‌نويسد: «در همدان، که مرکز مهم بهائيان است، به استثناي سه چهار نفر همگي يهودي بهائي شده هستند و همان کليمي‌ها، که بهائي شده‌اند، زمام امور را به دست گرفته هر اقدامي که مخالف روح اسلاميت است مي‌کنند و هميشه به آن سه چهار نفر ي که، به اصطلاح خودشان، بهائي فرقاني هستند طعن مي‌زنند و آنان را در هيچ محفل رسمي عضويت نمي‌دهند». 22.

تعداد زيادي از خانواده‌هاي بهائي همدان از تبار حاجي لاله‌زار (الغازار)، يهودي همداني، هستند. او نياي دو هزار نفر يهودي، مسيحي و بهائي است. يکي از پسران او مسيو حاتم است که مسيحي شد. ديگري به نام دکتر موسي خان (حکيم موشه) نيز مسيحي شد. يکي از پسران دکتر موسي خان به نام حکيم هارون يهودي است. خانواده گوهر ي از نسل ابراهيم، يکي ديگر از پسران حاجي لاله‌زار است. خانواده گرانفر، از نسل موشه پسر ديگر حاجي لاله‌زار، بهائي است. حاجي ميرزا يوحنّا پسر حافظ الصّحه بهائي است. آقا يعقوب لاله‌زاري يهودي است. حاجي يهودا (حاجي شکرالله جاويد) بهائي است. حاجي ميرزا اسحاق يهودي است. دکتر يوسف سراج بهائي است. حاجي ميرزا طاهر، پدر دکتر نصرالله باهر، بهائي بود. حاجي سليمان، پسر حاجي لاله‌زار، مسيحي بود. عزرا، پسر ارشد حاجي لاله‌زار، يهودي بود. او نياي خانواده‌هاي رسمي و کيميايخش است. حکيم موشه پدر دکتر داوود يهودي بود. روبن پسر آقا عزرا نيز يهودي بود. او پدر نجات رابينسن است. حاجي الغازار شوشتي يهودي بود. عطاءالله خان حافظي، پسر ميرزا يوحنّا، يهودي بود. نورالله احتشامي، پسر دکتر داوود مسيحي بود. 23.

وضعي مشابه با شيراز و مشهد و کاشان و همدان را در اراك 24 و تربت 25 و رشت 26 و ساير نقاط ايران و حتي سپاهکل 27 مي‌توان ديد. در تهران نيز جمع قابل توجهي از يهوديان بهائي شده وجود داشت. بعدها در دوره پهلوي، گروهی از ثروتمندان خاندانهاي يهودي - بهائي سراسر ايران در تهران مجتمع شدند و شبکه‌اي متنوع و مقتدر پديد آوردند که در قلب آن خاندانهاي آزاده، اتحاديه، اخوان صفا، ارجمند، برجيس، برومند، جاويد، حافظي، حقيقي، حکيم، شايان، صميمي، عزيزي، عهديه، فيروز، لاله‌زار، لاله‌زاري، مؤيد، ماهر، ميبين، متحده، متحدين، مجذوب، معنوي، ملکوئي، ميثاقيان، ميثاقيه، نصرت، وحدت، يوسف‌زاده برومند، يوسفیان و غيره جاي داشتند. در اواسط دوران سلطنت رضا شاه (1312) افرادي چون ميرزا اسحاق خان حقيقي، يوسف وحدت، عبدالله خان متحده، جلال ارجمند و اسحاق خان متحده (يهوديان بهائي شده) متنفذان سران جامعه بهائي تهران بودند. 28.

گروه يهوديان به بهائيت و تلاش براي تبديل اين فرقه به يك دين متنوع جهاني به ايران محدود نيست و در ساير کشورها، به ويژه در اروپا و ايالات متحده آمريکا، نيز يهوديان و يهوديان مخفي (به ظاهر مسيحي) به اين فرقه پيوستند. نامدارترين ايشان هيپولت دريفوس است. دريفوس نقش مهمي در گسترش و تقويت بهائيت ايفا نمود. او در حوالي سال 1317 ق. بهائي شد و در سال 1318 ق. در 70 سالگي در پاریس در گذشت. دريفوس در سال 1318 ق. به عکا رفت و مدتي با عباس افندي بود. 29 شناخت نامهاي به ظاهر مسيحي اروپاييان و آمريکاييان بهائي شده دشوار است ولي خانم بولاک را نيز مي‌شناسيم که بهائي شد و آسيه نام گرفت. 30 اين خانم نيز، چنان‌که نام او نشان مي‌دهد، به يکي از خاندانهاي زرسالار يهودي (خاندان بولاک) تعلق داشت. 31.

براساس چنین بستر و با اتکا بر چنین حمایت‌هایی است که بهائیت‌گری در طول بیش از یک قرن فعالیت خود در ایالات متحده آمریکا 32 به سازمانی بسیار متنوع هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، در این کشور بدل شد. مرکز بهائیان جهان در آوریل 1985 تعداد اعضای این فرقه در کل قاره آمریکا را 857 هزار نفر اعلام کرده است. 33 بخش مهمی از این گروه بهائیان ایرانی مهاجر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی هستند و بخشی بهائیان ایرانی که در طول یکصد سال اخیر به تدریج به ایالات متحده و سایر کشورهای قاره آمریکا مهاجرت کردند. صرف نظر از جمعیت کثیر بهائیان آمریکا، به نفوذ این فرقه در نهادهای دانشگاهی و پژوهشی ایالات متحده آمریکا، که به حاکمیت ایشان بر حوزه مطالعات ایرانی در ایالات متحده آمریکا انجامیده است، نیز باید توجه کرد.

پی‌نوشت‌ها:

1. تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 2، ص 894.
 2. حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، تهران، ج 3، ص 634.
 3. میرزا جانی کاشانی، صص 101 و 203، مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 382.
 4. بنگرید به: تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 1، صص 252-251.
 5. Thomas A. Timberg [ed]. Jews in India, India, Vikas publishing House, 1986. pp. 205.229.
 6. بنگرید به: تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 1، صص 252-251.
 7. Judaica, vol. 5, p. 1146
- در یهودیت مرتد به یهودی اطلاق می‌شود که واقعاً از یهودیت روی گردانیده است. احکام مجازات اسپینوزا. یهودی مخفی به یهودی اطلاق می‌شود که برای انجام مأموریت دینی - سیاسی یا از سر اجبار و تقیه به دین دیگر گرویده است مانند مارانوهایی اسپانیا و پرتغال و دونمه‌های عثمانی و آنوسی‌های ایران. برای مثال، ناتان غزه‌ای اعلام مسلمانان از سوی شایبای زوی، بنیادگذار فرقه دونمه، را انجام دادن یک مأموریت جدید عنوان می‌کند که با هدف برافروختن اخگر مقدس در میان کفار [مسلمانان] او می‌نویسد. شایبای در حال انجام دادن واپسین و دشوارترین بخش مأموریت خود است و آن تسخیر خلیفه [حکومت عثمانی] از درون است. او برای انجام دادن این مأموریت مانند یک جاسوس عمل می‌کند که به درون سپاه دشمن اعزام شده بنابراین، مسلمان شدن شایبای به معنی ارتداد نیست بلکه بغرنج‌ترین چهره مأموریت مسیحایی اوست. (بنگرید به: زرسالاران، ج 2، صص 344-345) در دایرة المعارف یهود یک مقاله مستقل به یهودیان مخفی اختصاص دارد و مقاله مستقل دیگر به مرتدان.
8. ibid. vol. 2. p. 211.
 9. Walter j. Fischel. "Seeret Jews of Persia", Commentary, No. 7, 1949, pp. 28-33.
 10. Timberg, ibid. p. 275.
 11. Judaica, vol. 8, p. 1357.
 12. ibid, vol. 12. pp. 854-855.
 13. دربارهٔ گروهی از زرتشتیان ایران به بهائیت و علل آن در صفحات توضیح خواهم داد.
 14. راتین. انشعاب در بهائیت، ص 302.
 15. آیتی، کشف الحیل، ج 2، ص 144.
 16. انشعاب در بهائیت، ص 171.
 17. فلسفه نیکو، ج 1، صص 82-81.
 18. خاطرات صحیحی، ص 128.
 19. فضل الله صحیحی مهندی، پیام پدر، ص 224.
 20. بنگرید به: حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، ج 3، صص 743-753.
 21. تاریخ ظهور الحق، ج 9، ق 2، صص 700-716.
 22. فلسفه نیکو، ج 1، ص 19.
 23. Houman Sarshar [ed]. Eathers Children: A Portrait Pf Iranian Jews. USA. CA. The Conter For Iranian Jewish Oral History, 2002. p. 201.
 24. همان، ج 8، ق 1، ص 273.
 25. همان، ص 242.
 26. همان، ج 8، ق 2، ص 765.
 27. میرزا یحیی، میرزا خلیل و آقاخان اسرائیلی سیاهکلی. (همان، ص 775).
 28. انشعاب در بهائیت، صص 266-267.
 29. تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 2، صص 1184-1185.
 30. همان، ص 1199.
 31. برای آشنایی با خاندان پولاک بنگرید به: زرسالاران، ج 2، صص 133-135.
 32. فعالیت بهائیان در ایالات متحده آمریکا از سال 1892 و با شرکت در نمایشگاه جهانی کلمبیا (شیکاگو) آغاز شد. (گوهر یکتا، ص 275).
 33. Iranica, vol. 3, p. 450
- عبدالله شهبازی
خبرگزاری فارس